

بازار در سال ۹۰؛ نگاه به آینده

بهار اقتصاد در سال نود!

مشاهده کرد، اما اینکه بازار سال ۹۰ چه سمت و سویی خواهد داشت، مستلزم بازخوانی ایده‌ها و سیاست‌ها و برنامه‌های دولت از یک سو و نیز کالبدشکافی و بازشناسی عوامل اثرگذار و اثرپذیر بر اقتصاد ایران و نیز فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های اصلی اقتصادی از سوی دیگر است. از این زاویه، شاید تقسیم بازار ایران به بازارهای مالی-پولی، بازار کالا و خدمات متناسب با نقش و سهم هر یک از کالاها و خدمات در اقتصاد کشور اهمیت دارد تا بتوان به تحلیل نزدیک‌تر به واقعیت ناشی از احتمالات قابل پیش‌بینی در سال آینده دست یافت، هر چند این واقعیت را نباید دست کم گرفت که سیاست اقتصادی دولت و رفتار اقتصادی مردم متناسب با تحولات پیش‌بینی نشده و یا پیامدها و نتایج ناشی از حرکت چرخ اقتصادی کشور می‌تواند مسیری متفاوت از آنچه اکنون تصور آن می‌رود را طی کند. با توجه به آنچه اشاره شد، برخی احتمالات قابل انتظار در سال آینده با در نظر گرفتن کاستی‌های آماری و نقصان موجود در گزارش‌های اقتصادی رسمی به قرار زیر است:

۱. از منظر عدالت اقتصادی به عنوان یکی از اصلی‌ترین اولویت‌های اقتصادی نظام سیاسی ایران، به نظر می‌رسد با لحاظ برنامه‌ها و سیاست‌هایی چون توزیع سهام عدالت، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت‌های مستقیم دولت به مردم، تلاش در جهت تقویت پایه‌های مالیاتی و نهادینه شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده بر کل بدنه اقتصاد، دولت همچنان مصمم بر پیگیری برنامه‌های اقتصادی معطوف به عدالت اقتصادی است، هر چند ممکن است این سیاست‌ها و برنامه‌ها به واسطه رویکرد توزیع عدالت با توزیع ثروت موجود با نقدهایی از جمله پایدار نبودن و ... مواجه شود، اما رویکرد و محور اصلی سیاست‌های اقتصادی دولت در تمامی سطوح و ابعاد اقتصادی معطوف به گفتمان عدالت‌خواهی رئیس‌جمهور خواهد بود. از این منظر، حضور پرتنگ و حتی دخالت دولت در بازارهای مختلف به نظر جدی‌تر خواهد بود، نظیر آنچه در سال‌های قبل در بازار مسکن رخ داد، بویژه اینکه با اجرایی شدن قانون هدفمندی یارانه‌ها حضور و نظارت و حتی دخالت توأم با اقتدار قانونی دولت در عرصه قیمت‌گذاری کالاها و خدمات و سایر بازارهای آسیب‌پذیر طبیعی‌تر جلوه خواهد کرد.

۲. در سطح کلان اقتصاد و سیاست‌گذاری دولت، به نظر افزون بر دشواری‌ها و چالش‌های اجرایی شدن قانون هدفمندی یارانه‌ها، دست‌کم دو مسئله اساسی پیش روی اقتصاد ایران قرار دارد: مهار نرخ بیکاری و دوام مهار نرخ تورم. بر اساس آخرین آمارهای رسمی منتشر شده نرخ بیکاری در ایران در بهار سال ۱۳۸۹ به ۱۴/۶ درصد رسید و با در نظر گرفتن بافت جمعیتی ایران و اجزای تشکیل‌دهنده لشکر دست‌کم ۳ میلیون نفری برای ورود به بازار کار، ضرورت ایجاد می‌کند دولت و مجلس در

اندیشیدن درباره تحولات و رخدادهای احتمالی بازار در سال ۹۰ هم آسان است و هم دشوار، هم ساده است و هم پیچیده. مهم این است که زاویه دید افراد نسبت به بازار چگونه است و مهم‌تر اینکه چه شناخت و ارزیابی‌ای از آینده اقتصاد ایران، منطقه و جهان نزد افراد وجود داشته باشد. اما پیش‌بینی‌ها از تحولات و رخدادهای بازارهای جهانی و داخلی در سال آینده هجری خورشیدی نیازمند شناخت و آگاهی لازم و کافی از قطعیت‌ها و عدم قطعیت‌هاست و دشوارتر اینکه قضاوت و تحلیل درباره عدم قطعیت‌ها و احتمالات پیش‌بینی نشده اقتصادی و نیز طراحی سناریوها و اتخاذ تمهیدات پیشگیرانه در برابر پیامدهای ناشی از رخدادهای پیش‌بینی نشده اقتصاد و بازار بسیار دشوار و پیچیده خواهد بود. از این رو، تلاش می‌شود در تحلیل و ارزیابی تحولات و رخدادهای اقتصادی بازارهای مختلف در سال ۹۰، بر احتمالات قابل پیش‌بینی در رخدادهای قابل انتظار تکیه شود و برای اندیشیدن نسبت به پرسش‌های روشن، رویکرد این نوشتار معطوف به اقتصاد و بازار داخلی ایران است، هر چند چون شماره‌های پیشین، بخش ویژه‌ای را به تحولات مهم اقتصادی جهان، بویژه تحولات سیاسی برخی کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه نظیر تونس، مصر، لیبی و سایر کشورهای بحران‌زده منطقه اختصاص داده‌ایم.

با فرا رسیدن سال تازه در تقویم هجری خورشیدی، ایرانیان بدون تردید در ذهن و دل خویش آرزو و دعا می‌کنند که «حول حالنا الی احسن الحال» و دست‌کم بخشی از آرزوی توأم با دعای ایرانیان، معطوف به بهبود اوضاع و احوال اقتصادی است. دغدغه برخی از ایرانیان ارتقای سطح معیشت و رفاه، برخی دیگر یافتن شغل مناسب با درآمد کافی، عده‌ای در رویای رونق اقتصادی و بازده مناسب، برخی دیگر به امید حفظ شغل و درآمد و کاهش نرخ تورم ... است و البته این همه خواسته و آرزوی شهروندان جامعه به گونه‌ای در سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی سال آینده دولت تجلی پیدا می‌کند، هر چند جمع کامل مطالبات اقتصادی مردم در سیاست‌های اقتصادی دولت به دلیل محدودیت‌های مادی و اولویت‌های اقتصادی جامعه ممکن نیست. از این رو، شاید ساده‌ترین پرسش همگانی این است که سرمایه‌گذاری در چه بخش‌هایی طی سال آینده بازده اقتصادی بالا توأم با ریسک کم دارد. پاسخ به این پرسش ساده و همگانی البته دشوار است و متأسفانه باید گفت دست‌کم روحیه دستیابی به سود بالا و آنی و رویکرد سودگرایانه در کشور ما مسبوق به سابقه است و از این جهت، شاید تلاش برای یافتن پاسخ به مطالبات سودگرایانه با سود بالا و ریسک اندک، مشکلی از اقتصاد ملی ایران حل نخواهد کرد. واقعیت آشکار این است که دست‌کم فعالیت‌های سودگرایانه در سال‌های اخیر اندکی فروکش کرده که نمود عینی آن را می‌توان در بازار مسکن و خرید و فروش املاک و مستغلات



عرصه حفظ و تقویت اشتغال موجود و ایجاد اشتغال جدید و پایداری آن با در نظر گرفتن ظرفیت‌های اقتصادی و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری نسبت به بهبود فضای کسب‌وکار و برداشتن موانع اجرایی و قانونی اقدام کنند. البته نباید فراموش کرد طی ۲۰ سال گذشته برنامه‌های متفاوتی برای ایجاد اشتغال در کشور، عمدتاً با تکیه بر سیاست‌های پولی و تزریق نقدینگی، به اجرا گذاشته شده است، اما به دلیل ضعف‌های ساختاری در اقتصاد دولتی کشور نتیجه مطلوب حاصل نشده است. از این منظر، پیشنهاد می‌شود در طراحی سیاست‌ها و تدوین برنامه‌های معطوف به بازار کار، نسبت به سامان دادن بهتر به سیاست‌های کلان اقتصادی با رویکرد ایجاد رونق پایدار اقتصادی در همه بخش‌ها و توجیه‌پذیر کردن بازده اقتصادی فعالیت‌های مختلف اهتمام بیشتر و جدی‌تری صورت پذیرد. درباره مهار نرخ تورم هم باید گفت، بر اساس آمارهای رسمی بانک مرکزی نرخ تورم پس از تنها چند ماه تک‌رقمی شدن بار دیگر در ماه‌های پایانی سال دورقمی شد و در بهمن ماه از ۱۱ درصد عبور کرد. به نظر می‌رسد با توجه به اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و اصلاح سطح عمومی قیمت حامل‌های انرژی و سایر اقلام و خدمات یارانه‌ای، افزایش نرخ تورم در سال آینده هم دور از ذهن نباشد و دولت هم نسبت به این واقعیت آگاهی دارد، هر چند ممکن است درباره کم و کیف نرخ تورم و ریشه‌ها و علت‌های آن اختلاف نظر وجود داشته باشد. از این رو، به نظر می‌رسد دست‌کم نظر دولت در خصوص نرخ سود بانکی معطوف به کاهش یا تثبیت باشد، چرا که افزایش نرخ سود بانکی، آن هم در شرایطی که اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها باعث افزایش هزینه‌های تولید و خدمات خواهد شد، سنگین‌تر شدن بار هزینه‌های دولت و فعالیت‌های اقتصادی را به همراه خواهد داشت، هر چند بیم آن می‌رود در صورت افزایش نرخ تورم و کاهش و یا تثبیت نرخ سود بانکی، بخشی از سپرده‌های بانکی از شبکه رسمی خارج شود و بانک‌ها برای تأمین نقدینگی مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی با تنگناهای تأمین منابع مواجه شوند. به همین دلیل، باید منتظر بسته‌های سیاستی و نظارتی بانک مرکزی درباره سیاست‌های پولی و اعتباری و نظارتی شبکه بانکی کشور در سال آینده ماند. البته مهم‌تر اینکه دولت مصمم است برنامه عملیاتی خود را در دو حوزه ایجاد اشتغال و کاهش محسوس نرخ بیکاری و نیز تحول در نظام بانکی و ارزش‌گذاری پول ملی کشور رونمایی کند. از این منظر، اقتصاد ایران افزون بر پیامدهای ناشی از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، منتظر آشکار شدن و شفافیت سیاست‌های اشتغال و مالی دولت خواهد ماند.

۳. در سال آینده برای بازار سرمایه ایران دست‌کم انتظار ثبات شاخص‌ها و حفظ اعتماد سهامداران و رونق خرید و فروش آرام و باتیات سهام و نیز حمایت دولت از بورس می‌رود، چه اینکه پس از رشد خیره‌کننده شاخص کل بازار بورس و اوراق بهادار تهران به عنوان دامسج اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۹، آن هم پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و رکودشکنی‌های متعدد، به نظر می‌رسد سال ۹۰ بازار بورس نیاز به آرامش و پایداری شاخص‌ها داشته باشد. بورس اگر چه آینه تمام‌نمای واقعیت اقتصاد ایران نیست، رشد شاخص آن در سال‌های اخیر و اعتماد سرمایه‌گذاران و سهامداران به فعالیت در بازاری که یک روی سکه آن ریسک است و روی دیگر آن بازده و سودآوری، نشان می‌دهد کیمیای شفافیت اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد، حفظ و قوام اعتماد مردم به فعالیت سالم اقتصادی باشد. غرض، واکاوی و کالبدشکافی چرایی و چگونگی رشد شاخص بورس در این نوشتار نیست، بلکه مهم این است که سال ۹۰ برای بورس، به عنوان یکی از شفاف‌ترین بازارهای قابل اعتماد برای سرمایه‌گذاری، سالی توأم با رونق واقعی و برخاسته از واقعیت‌های درونی اقتصاد ایران باشد و دماسنجی درست از وضعیت شاخص‌های اقتصادی؛ چه اینکه سالم ماندن بازار بورس و پایداری اعتماد سهامداران و البته شفافیت و رقابت واقعی‌تر و روشن‌تر می‌تواند دستاوردهای آشکار و نهان بسیاری برای اقتصاد ایران به ارمغان آورد. از این منظر، بورس می‌تواند با نشان دادن دمای واقعی اقتصاد کشور به جهانیان، بویژه سرمایه‌گذاران، آن هم در شرایطی که تبلیغات و اقدامات وسیع دشمنان علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد، بسیاری از تهدیدها و مانع‌تراشی‌ها را بی‌اثر سازد. افزون بر این، رونق بورس و حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران و سهامداران می‌تواند فشار مضاعف را بر سیاست‌های پولی و شبکه بانکی کشور از جهت تأمین نقدینگی برای شرکت‌های فعال در بورس کم کند و به هدایت سالم جریان نقدینگی مازاد در کشور کمک کند. حتی برای آنها که خیال سودآوری در سر دارند، همان بهتر که راهی تالارهای بورس شوند و آرامش نسبی بر سایر بازارها حاکم شود و از خطرات فعالیت‌های سوداگرایانه و هیجان‌های مخرب آن مصون بمانند.

۴. بازار مسکن را باید در سال ۹۰ باز هم بازاری توأم با تداوم رونق در تولید و مدیریت دولتی نوسان‌های قیمت در بخش نقل و انتقال و خرید و فروش

مسکن و مستغلات ارزیابی کرد، چرا که تأمل در سیاست‌ها و برنامه‌های دولت در بخش مسکن نشان می‌دهد همچنان روند گذشته، یعنی تأکید بر شتاب تولید و ساخت مسکن با اولویت مسکن مهر و مدیریت نوسان قیمت‌ها در بخش تجارت و خرید و فروش، ادامه خواهد یافت و از این رو، تحلیل غالب این است که دولت با هدف مدیریت مهار تورم ناشی از هزینه‌های یارانه‌ها باز هم مصمم خواهد بود از افزایش قیمت مسکن و تأثیر این افزایش بر نرخ تورم، با توجه به نقش و اثرگذاری ۳۰ درصدی بخش مسکن در شاخص تورم جلوگیری کند، هر چند افزایش هزینه تولید مسکن به دلیل افزایش هزینه مصالح و سایر نهاده‌های مؤثر در بخش ساختمان طبیعی است. البته یادآوری دو مسئله ضرورت دارد: نخست اینکه عزم جدی دولت این است که با عرضه مسکن در سال ۹۰ به عنوان سال هدف، هم اعتماد متقاضیان مسکن را به این سیاست و برنامه در سال‌های بعد حفظ کند و هم اینکه با عرضه مسکن مهر از رشد ناگهانی قیمت اجاره‌های مسکن به عنوان محتمل‌ترین گزینه تورمی در آینده جلوگیری کند. از این حیث، شتاب گرفتن عرضه مسکن مهر و سوق دادن تقاضای مسکن، بویژه نزد جوانان، به سمت مسکن مهر اولویت نخست و مهم‌ترین سیاست دولت خواهد بود. دوم اینکه برابر آمارهای رسمی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه تولید و ساخت مسکن از بهار سال ۸۹ به بعد رشد ۴۵ درصدی را تجربه کرده است که به نظر می‌رسد با تداوم این روند و تقویت و تشدید سرمایه‌گذاری در بخش ساخت مسکن، آن هم در بازار تقریباً رقابتی و شفاف بودن قیمت تمام‌شده به دلیل مقایسه نسبی قیمت‌ها بین مسکن مهر و مسکن ساخته شده توسط بخش خصوصی و تعاونی، دولت بتواند فشار تقاضا برای مسکن را مدیریت کند، البته با تأکید بر اینکه فشار هزینه‌های ناشی از اصلاح قیمت‌ها و هدفمندی یارانه‌ها را نمی‌توان نایده گرفت و دست‌کم در کلان‌شهرها انتظار رونق صنعتی‌سازی مسکن و رشد تولید مسکن سبز به عنوان مسکن کم‌مصرف از حیث انرژی در سال‌های آینده چندان دور از انتظار نخواهد بود.

نگاه بازار به آینده

نتیجه اینکه بازار در سال ۹۰ بیش از آنکه نظر به گذشته داشته باشد، به آینده و نوسان قیمت‌ها نگاه دارد. از این رو، در یک نگاه کلی بازارهای واقعی معطوف به تولید داخلی، در انتظار خروج از رکود نسبی سال‌های اخیر به سر می‌برد و دغدغه نخست دولت و مردم مدیریت بازار و قیمت‌ها زیر سایه نظارت مشترک فعالان اقتصادی و دولت در یک رویکرد افزایش منصفانه قیمت خواهد بود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد نوسان قیمت ارز و طلا به عنوان یکی از پناهگاه‌های سوداگرایانه در شرایط افت و خیز قیمت‌ها همچنان توأم با جذابیت و ریسک ارزیابی می‌شود و تجارت خارجی آمیزه‌ای از رشد صادرات توأم با واردات را تجربه خواهد کرد. مهم این است که بازار در سال ۹۰ صحنه رقابت بین بخش دولتی و شبه‌دولتی با بخش خصوصی و تعاونی خواهد بود. سال ۱۳۹۰ البته سالی متفاوت‌تر از سال‌های اخیر است؛ سالی به امید رونق اقتصاد و پایداری اشتغال و نگران از تشدید رکود توأم با تورم. اقتصاد ایران سال ۹۰ را با بیم و امید زیاد تجربه خواهد کرد و تهدیدها و چالش‌ها به فرصت‌ها بدل خواهد شد و این مهم با مشارکت و همراهی مردم و صداقت دولت و اعتماد فعالان بخش‌های مختلف اقتصادی محقق خواهد شد. در واقع نام‌گذاری سال ۱۳۹۰ از سوی مقام معظم رهبری با عنوان «سال جهاد اقتصادی» نشان می‌دهد که رسیدن به آرمان‌ها و اهداف اقتصادی مورد نظر در سیاست‌های کلی نظام در عرصه اقتصادی با حرکت طبیعی مقدر نیست و حرکتی جهادگونه را می‌طلبد و البته راه روشن است که شاخص‌های اقتصادی در مسیر جهاد اقتصادی، بویژه برای عقیم کردن برنامه‌های دشمنان، همانا جدی گرفتن مبانی سیاست‌های کلی برنامه پنجم و برنامه‌ریزی برای تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی مستمر، کاهش نرخ بیکاری، افزایش نرخ بهره‌وری و... است. تدبر و رهنمود مقام معظم رهبری، بویژه با توجه به مسائل اقتصادی در سه سال اخیر با محوریت اصلاح الگوی مصرف در سال ۱۳۸۸، همت مضاعف و کار مضاعف در سال ۱۳۸۹ و جهاد اقتصادی در سال جاری حکم می‌کند قوای سه‌گانه با همت جهادگونه به اصلی‌ترین اولویت‌های اقتصادی کشور بپردازند و برای برداشتن موانع موجود و تقلیل تهدیدها و چالش‌های پیش رو و چندان تلاش کنند.

امید است سال ۹۰ سالی روشن و درخشان در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... برای همه ایرانیان باشد؛ چون خدا خواهد، چنین خواهد بود.

سردبیر